

مهارت های مدیریتی کلاس درس

صابر شفیعی^۱، حبیب الله هاشمی^۲

^۱ نویسنده مسئول، آموزگار ابتدایی استان ایلام، کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

^۲ آموزگار ابتدایی استان ایلام، کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی

چکیده

مقاله حاضر از نوع مروری کتابخانه ای است که با توجه به نظر اندیشمندان و صاحب نظران این حوزه نگاشته شده است. هدف از نگارش این مقاله افزایش آگاهی معلمان در کنترل کلاس برای ایجاد یک موقعیت یادگیری مطلوب است. نتیجه این مقاله نشان می دهد که هر چه معلمان با مهارت های مدیریتی کلاس آشنایی بیشتری داشته باشند؛ بهتر می توانند کلاس درس را مدیریت کنند و به اصطلاح یک وضعیت ایده آل برای یادگیری به وجود آورند که یادگیری بهتر، موثرتر، کارا تر و پایدارتر به وجود آورند و از طرفی نیز دانش آموزان راحت تر می توانند به عمق مطالب دست یابند و رابطه میان موضوعات را بهتر درک خواهند کرد.

واژه های کلیدی: مدیریت کلاس، انضباط، مهارت، دانش آموزان

مقدمه

کلاس درس پایه و اساس یادگیری و رشد دانش آموزان است. فضای این کلاس، مواد آموزشی مورد استفاده در این محیط تأثیر بسزا بر تربیت و یادگیری دانش آموزان دارد؛ بنابراین مدیریت این فضا از اهمیت فوق العاده برخوردار است. اگر مدیریت کلاس درس بر عهده ی معلمی باشد که بر همه جنبه های مدیریت کلاس واقف باشد و از راهبردهای مدیریت کلاس به بهترین نحو ممکن و در جای مناسب استفاده کند، می توان انتظار بالاتری از دانش آموزان رشد یافته در این فضا داشت، لذا باید راهبردهای مدیریت کلاس بیش از پیش مورد توجه و بررسی قرار گیرند. مدیریت کلاس اصطلاحی است که ما می خواهیم از آن برای انعکاس تمام رفتارها و تصمیمات مثبتی استفاده کنیم که از سوی معلم برای تسهیل فرایند یادگیری دانش آموزان اتخاذ می شود. اصطلاح مدیریت کلاس به تمام فعالیت هایی اشاره دارد که برای ایجاد تداوم یک محیط یادگیری منظم و مرتب ضروری هستند (سادیک^۱، ۲۰۰۷). اگر تعریف بالا از مدیریت کلاس را بپذیریم آنگاه می توان فعالیت هایی همچون برنامه ریزی، تهیه و تدارک مواد آموزشی، سازمان دهی و آرایش کلاس درس و مطمئناً وضع و اعمال قوانین و مقررات جاری را زیرمجموعه مدیریت کلاس بدانیم (پارسونز^۲، ۱۳۸۵).

مدیریت کلاس به صورت مؤثر دو هدف اصلی دارد: کمک به شاگردان تا زمان بیشتری را صرف یادگیری و وقت کمتری را صرف فعالیت های بدون جهت کنند و از ایجاد مشکلات تحصیلی و هیجانی پیشگیری کنند (سانتراک^۳، ۱۳۸۵). سبک ها و شیوه های متفاوتی که معلمان در مدیریت کلاس پیاده می کنند می تواند اثرات متفاوت و مهمی بر روی عملکرد دانش آموزان بگذارد، از میان متغیرهای متعدد، مدیریت کلاس درس بیشترین تأثیر مستقیم را بر پیشرفت دانش آموزان دارد. مدیریت کلاس درس جنبه های بسیاری را شامل می شود: مدیریت فضا، زمان، فعالیت ها، مواد آموزشی، ارتباطات جمعی و رفتار دانش آموزان؛ بنابراین این مفهوم با طیف گسترده ای از فعالیت های بر عهده گرفته شده معلم در کلاس درس، مرتبط است (دیجیک و استویلیکویک^۴، ۲۰۱۱).

بیان مسئله

امروزه مدیریت کلاسی یکی از مهم ترین موضوعات مورد بحث در آموزش و پرورش و راهبردهای مدیریت کلاس به عنوان مهم ترین ارکان اداره ی کلاس در مدارس خودنمایی می کند و شکی نیست که بدون یک مدیریت صحیح، اداره یک کلاس و جریان تدریس معلم با هر سبک و روشی و فراتر از آن اداره یک مدرسه غیرممکن خواهد بود. نمی توان از کنار این مسئله به راحتی گذشت چراکه در آن صورت باید منتظر عواقب ناگوار بعدی در جامعه دانش آموزی و بالطبع در اجتماع باشیم. بی انضباطی دانش آموزان مسئله ای است که به راحتی بیشتر وقت کلاس و انرژی معلم را به خود اختصاص می دهد و باعث کاهش میزان یادگیری سایر دانش آموزان نیز می شود. بسیاری از معلمان در برخورد با این بی انضباطی ها و مشکلات رفتاری دانش آموزان فاقد توانایی های لازم هستند یا اینکه از روش هایی قدیمی و ناکارآمد استفاده می کنند. در نتیجه این

۱. Sadik

۲. Parsons

۳. Santrock

۴. Djigic & Stojiljkovic

امر باعث کندی شکل گیری فرایند یاددهی -یادگیری در جریان آموزش می شود. پژوهش های زیادی نشان داده اند بسیاری از مشکلات انضباطی دانش آموزان ناشی از عدم مدیریت صحیح و ناکارآمدی راهبردهای مدیریت کلاسی معلمان است. اهمیت این موضوع باعث می شود برای جلوگیری از بی انضباطی ها به راهبردهای مدیریت کلاسی معلمان که نقش بسزایی در کنترل کلاس دارند متوسل شد. چراکه یک معلم با استفاده از راهبردهایی که به احتمال بیشتری به کاهش رفتارهای بی انضباطی دانش آموزان می انجامد، بدون اتلاف وقت و با صرف انرژی کمتری به بهترین شکل ممکن می تواند کلاس درس را اداره کند. پرواضح است که یک کلاس آرام و فعال با دانش آموزانی منضبط، تدریس اثربخش معلم و یادگیری بیشتر دانش آموزان را به دنبال خواهد داشت.

گرینبرگ، پوتمن و والش^۱ (۲۰۱۴) یک نظرسنجی در سال ۱۹۹۷ نشان داد که ۵۸ درصد از معلمان دوره های ابتدایی و متوسطه از اتلاف وقتشان توسط رفتارهای بی انضباطانه ناراحت هستند. در سال ۲۰۱۳ در یک تحقیق مشخص شد که بیش از ۴۰ درصد معلمان تازه کار، تنها قادر به رفع بخشی از رفتارهای بی انضباطانه در کلاس هستند و گاهی هم هیچ گونه توانایی در رفع و رجوع این رفتارها ندارند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اداره ی صحیح کلاس درس از مسائل مهم آموزشی است، زیرا معلم از این طریق می تواند رفتارهای مخرب و مزاحم را اصلاح نماید و با ایجاد محیطی آرام و بدون تنش و درگیری شرکت دانش آموزان را در فعالیت های یادگیری افزایش دهد. همچنین اداره صحیح کلاس و فراهم آمدن جو مشارکت و صمیمیت در محیط آموزشی بر سطح انگیزش یادگیری دانش آموزان می افزاید. مدارس ابتدایی و راهنمایی از نظر موضوع مدیریت شباهت های زیادی دارند. در تمام سطوح تعلیم و تربیت، مدیران خوب، محیط کلاس درس را برای یادگیری بهینه طراحی می کنند. محیط مثبتی برای یادگیری ایجاد می کنند، قوانین را بکار می گیرند و حفظ می کنند و شاگردان را به همکاری و می دارند تا با مشکلات به نحو مؤثرمقابله کنند؛ اما بین این دو مقطع تفاوت های زیادی هست که در اداره کلاس باید موردتوجه قرار گیرند.

مثلاً در ابتدایی معلم با ۲۰ تا ۲۵ کودک روبرو است. در راهنمایی و دبیرستان با ۵ یا ۶ گروه ۲۵، ۳۰ نفره. در ابتدایی، خستگی و کسل بودن در نتیجه ارتباط با افراد یکسانی وجود دارد و در راهنمایی و دبیرستان، معلمان با دامنه وسیعی از مشکلات روبرو هستند و برقراری روابط شخصی با شاگردان برایشان دشوار است. اصلاح مشکلات راهنمایی و دبیرستان با توجه به سابقه طولانی این مشکلات دشوارتر است. مشکلات انضباطی شدیدتر است. شاگردان راهنمایی و دبیرستان تبیین ها و استدلال های استادانه تری را در رابطه با قوانین و نظم خواستارند. با توجه به این تفاوت ها چگونگی اداره کلاس درس از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (سانتراک، ۱۳۸۵).

تالتون و سیپون^۲ (۱۹۸۷) در پژوهشی دریافتند که بین گرایش به دروس در فراگیران و محیط کلاس همبستگی زیادی وجود دارد. این پژوهش نشانگر آن است که احساس فراگیران نسبت به جو عاطفی و فیزیکی کلاس، برنامه ریزی و چگونگی سازمان دهی، مدیریت و به ویژه نحوه تعامل با همکلاسی ها سازنده ترین عاملی است که در گرایش آنان نسبت به دروس

۱. Greenberg, Potman & walsh

۲. Talton & Sipon

ایفای نقش می کند. روشن است که نتایج به دست آمده به سایر موضوعات درسی نیز قابل تعمیم است. هر قدر توسط محیط گرایش مثبت ایجاد شود به همان نسبت نیز یادگیری در موضوعات درسی پیشرفت خواهند داشت. چنین پیشرفتی در مدیریت کلاس نیز نقش مهمی دارد.

اهمیت مهارت های مدیریت کلاس تا حدی است که حتی اگر معلم بهترین طرح درس را هم داشته باشد، بدون مهارت های مدیریت کلاس قادر به هدایت کلاس به شیوه صحیح نمی باشد (گرینبرگ، پوتمن و والش، ۲۰۱۴).

تعریف مدیریت کلاس درس

واژه ی «مدیریت» معمولاً با فردی که در یک سازمان، بالاترین مقام را دارد همراه است. چنین تصویری شود که کارکنان عادی وظایف روزمره را انجام می دهند، درحالی که بالادست ها با دریافت حقوق بهتر آنها را اداره می کنند. این گونه مدیران ممکن است اتاق کار خاصی داشته باشند و در اتاق پذیرایی مدیران اجرایی غذا صرف کنند، ضمن آنکه از آلوده کردن دست های خود به روغن و گریس ماشین آلات پرهیز کنند. تدریس کردن با چنین تصور قالبی ریشه داری تفاوت دارد، زیرا حتی معلمان باصلاحیت تازه کار نیز کارهای زیادی برای اداره کردن دارند. معلمان از آغاز تا پایان کار حرفه ای خویش مسئول اداره کردن امور بسیاری هستند، از جمله: منابع و مواد (در برخی موارد شامل تجهیزات بسیار گران قیمت است)؛ زمان و فضا (شروع و پایان جلسه درس، زمان اجرای فعالیت ها، برقراری نظم و ترتیب کلاس)؛ راهبردهای تدریس و یادگیری (مانند استفاده از کل کلاس، گروه های کوچک، یادگیری انفرادی)؛ رفتار دانش آموزان، ایمنی و سلامتی، تعامل با دیگران، پیشرفت؛ روابط درون و بیرون مدرسه، شامل ارتباط با والدین، کارکنان پشتیبانی، سایر سازمان ها.

یکی از وظایف بارز معلمین کنترل رفتار دانش آموزان به صورت کلی می باشد. کنترل رفتار دیگران فقط یکی از جنبه های اداره کلاس است. هر روز معلمانی را می بینیم که در حال برنامه ریزی کردن درس ها هستند، موضوع ها یا تکلیف هایی را انتخاب می کنند؛ درباره ی آنچه به عنوان یک معلم باید تعیین کنند و درباره ی آنچه کودکان را ترغیب می کند تا برای خود تصمیم بگیرند یا انتخاب کنند به قضاوت می پردازند؛ بر حرکت های درون کلاس درس یا مدرسه نظارت می کنند؛ فعالیت های گوناگونی را که باید توسط افراد، گروه های کوچک یا کل کلاس انجام شود، سازمان دهی می کنند؛ کارهای خوب را تشویق کرده، دانش آموزانی را که بدرفتاری دارند، جریمه می کنند؛ اطمینان حاصل می کنند که مواد آموزشی و کتاب های مناسب در دسترس هستند و از میان راهبردهای ممکن تدریس، دست به انتخاب می زنند (راگ، ۱۳۸۳^۷).

مدیریت کلاس درس مانند دیگر مدیریت ها تاکنون با دو رویکرد و پارادایم متفاوت تعریف شده است، در پارادایم نیوتونی بر نظریات کلاسیک مدیریت، نظریات رفتاری، شرطی سازی، نتیجه مداری، اقتدار سازمانی، کنترل مقتدرانه و ارزش های پایانی تأکید می شود. در مقابل پارادایم پست نیوتونی بر نظریات مدیریت کیفیت جامع، سازمان یاد دهنده، سازمان یادگیرنده، یادگیری سازمانی، کنترل کیفی، رهبری پویا، دانش آموز مداری، مهارت های حل مسئله، مهارت های اجتماعی، الگوهای فعال تدریس، ایجاد نگرش های مطلوب و ارزشیابی مستمر تأکید کرد. در رویکردهای نیوتونی، تعاریف ارائه شده از مدیریت کلاس درس برگرفته از نظریات کلاسیک مدیریت است و آن را مجموعه مهارت هایی می دانند که معلم به کار می برد تا در کلاس و محیط یادگیری فراهم شود (فرزادی، ۱۳۹۳).

اهمیت مدیریت کلاس درس

اسمیت و لاسلت^۸ (۱۳۷۵)، انتظارات معلم با روش های دقیق و گوناگونی به دانش آموزان منتقل می شود که تأثیر نیرومندی بر مساعدت یا ممانعت از رشد تصور خود دانش آموز به عنوان یک فراگیر باکفایت یا بی کفایت دارد. انتظارات مختلف با روشی که معلمان با افراد و گروه های مختلف صحبت می کنند، روشی که از آنان سؤال می کنند، نوع وظایفی که برای آنان مقرر می سازند و میزان وقتی که با آنان صرف می کنند، ابراز می گردد.

اندرسون و کراتول^۹ (۲۰۰۱) بر این باورند که اهمیت و توجه به مدیریت کلاس درس بر کارایی معلم تأثیر مستقیمی دارد تا آنجا که برای معلمان مبتدی و تازه کار زمان زیادی به این امر اختصاص می یابد.

در قرن بیست و یکم انتظار از مدرسه ها در مقایسه با دوره های گذشته، بسیار بیشتر است. آگاهی از احتمال بیکاری، تقاضا برای دانش و مهارت بیشتر، همچنین تغییرهای سریع، همه و همه فشارهای بسیاری را در طول سال های آموزش اجباری بر معلمان وارد می سازد. اهمیتی که به نتایج امتحان های عمومی داده می شود، استفاده از جدول های امتیازبندی و سایر روش های مقایسه دبستان ها، توجه زیاد به بازرسی مدرسه ها، توجه دقیق نشریات و وسایل ارتباط جمعی و اهمیت قابل توجهی که سیاست مداران برای آموزش و پرورش قائل هستند، یک نظام با پاسخگویی بالا را به وجود آورده است. معلمان به طور مستمر زیر زره بین قرار دارند و از آنان انتظار می رود که بتوانند کلاس های خود را به صورتی مؤثر و کارآمد اداره کنند (راگ، ۱۳۸۳).

ارتباط مدیریت کلاس درس با نظم و انضباط کلاسی

مدیریت کلاس کلیه تلاش های معلم برای سرپرستی و برقراری انضباط در کلاس است که شامل آموزش، تعاملات اجتماعی و رفتار دانش آموزان است؛ بنابراین مدیریت کلاس شامل انضباط می باشد اما محدود به آن نیست (صیامی، ۱۳۸۳).

بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت و معلمان درمورد روش تربیت کودکان به توافق قطعی نرسیده اند. برخی تصور می کنند روش آسان گیری در کلاس به کودکان کمک می کند تا بتوانند به راحتی خواسته های خود را بیان کنند و انتظار دارند در نتیجه این روش، رفتار ناسازگارانه آنها از بین رود. البته چنین نیست، آنچه که روش آسان گیری به ارمغان می آورد هرج و مرج و بی نظمی است نه آزادی. در چنین کلاسی این ذهنیت به کودک انتقال می یابد که هر کاری که دلم بخواهد می کنم. چنین کودکی فکر می کند که فقط حق با اوست و به این ترتیب به احساس و عقاید دیگران احترام نمی گذارد. از طرف دیگر در کلاس هایی که از روش سخت گیرانه و مستبدانه استفاده می شود ذهنیت کودک این خواهد شد که قدرت و اعتبار و سود تنها ارزش های پذیرفته در جمع هستند، پیامد چنین رفتاری این خواهد بود که بسیاری از آنها در سنین بلوغ به مشکلات رفتاری روی می آورند (دریکورس و کاسل^{۱۰}، ۱۳۸۸).

برخورد معقول با نظام اجتماعی کلاس، تسلط در طراحی آموزشی، توجه به تفاوت های فردی و آمادگی برای تدریس قبل از ورود به کلاس از عوامل مهم و مؤثر در رسیدن به هدف های تربیتی به شمار می روند. در این میان مدیریت نظم و انضباط

۲. Smith & laslett

۳. Anderson & Krathwohl

۱. Dreikurs & Cassel

کلاس درس از اهمیت بسزایی برخوردار است و عواملی مثل تنظیم برنامه درسی، سازمان دهی مراحل کار و منابع، سازمان دهی به منظور افزایش کارایی، نظارت بر پیشرفت دانش آموزان و پیش بینی احتمالی هر تحرک و فعالیت را شامل می شود (تابر^{۱۱}، ۱۳۸۹).

استراتژی های مختلفی برای جلوگیری و خاتمه رفتارهای ناخواسته دانش آموزان در کلاس درس وجود دارد. حفظ نظم و انضباط در کلاس درس به عنوان کلید اصلی برای یادگیری مؤثر است. حتی در بعضی مدارس که بیش از حد بر رعایت قوانین پافشاری می کنند نیز می توان بروز رفتارهای نامناسب و لجبازی در دانش آموزان را مشاهده کرد. می توان گفت، چگونگی درک معلم از بی انضباطی های دانش آموزان و نحوه برخورد آنان با این رفتار نامطلوب تأثیر چشمگیری بر ادامه یا پایان بی انضباطی های دانش آموزان دارد (راگ، ۱۳۸۳).

جنبه های مدیریت کلاس

ولفگانگ و گلیکمن در کتاب خود به نام «حل مسائل انضباطی کلاس» سه بعد اساسی برای مدیریت کلاس مطرح ساخته که عبارت اند از: مدیریت رفتار، مدیریت آموزش و مدیریت افراد (والی، ۱۳۹۰).

- **مدیریت آموزش:** که شامل جنبه هایی چون؛ نظارت بر محیط کلاس، ساخت دهی فعالیت های روزانه ی برنامه ی درسی و تخصیص مواد آموزشی برای دانش آموزان است، چگونگی انجام این وظایف و میزان نقش معلم و دانش آموز در انجام دادن آنها، در جو عمومی کلاس و سبک مدیریت کلاس تأثیری بسزا دارد. در این سبک نظارت و انضباط در فرایندی تعاملی میان معلم و دانش آموز شکل می گیرد و دانش آموزان در برنامه ریزی و سازمان دهی کلاس دخالت دارند.

- **مدیریت افراد:** یکی از مهم ترین تصمیم های راهبردی که معلمان درباره ی مدیریت بر افراد و فضای کلاس اتخاذ می کنند، مشخص کردن روش تدریس است، یعنی آیا از روش تدریس به کل کلاس استفاده می کنند، به تدریس گروهی می پردازند، تکالیف فردی به کار می گیرند یا ترکیبی از تمامی این روش ها را به کار می برند.

- **مدیریت رفتار:** که ارتباط تنگاتنگی با مدیریت افراد دارد، بخش مهمی از مدیریت کلاس است. این جنبه شامل استراتژی های انضباطی است که به منظور جلوگیری از بدرفتاری دانش آموزان به کار می رود. فرآیند هایی چون تعیین قوانین، تعیین ساختار پاداش و فراهم کردن فرصت هایی برای «خود انضباطی» دانش آموزان در این حیطه جای دارد.

سبک های مدیریت کلاس

در مورد سبک های مدیریت کلاس نظریه های مختلفی ارائه شده است که در میان این نظریه ها، نظریه یزدی و عالی (۱۳۸۷) بیان می شود که خلاصه آن در جدول زیر گردآوری شده است.

سبک های مدیریت کلاس			مشخصه ابعاد	
تغیر مداخله گرا	تعامل گرا	مداخله گرا	مدیریت آموزش	ابعاد مدیریت کلاس
دانش آموزان فعالیت های روزانه را تعیین می کنند. دانش آموزان مواد آموزشی را انتخاب می کنند. دانش آموزان مسئولیت نظارت بر یادگیری خود را بر عهده دارند.	دانش آموزان فعالیت های روزانه را پیشنهاد می کنند. معلم و دانش آموزان در تعیین اهداف درسی، برنامه کلاسی و سازماندهی مواد آموزشی مشارکت دارند. دانش آموزان یادگیری خود را ارزیابی می کنند.	معلم، نظارت مداوم بر یادگیری دانش آموزان دارد. معلم، موضوعات درسی، تکالیف درسی و فعالیت های کلاس را از قبل سازماندهی می کند. معلم مسئول تخصیص مواد آموزشی است.	مدیریت افراد	
دانش آموزان در پیروی از علایق خود آزادند. حفظ احترام و روابط دوستانه در کلاس اهمیت دارد.	گروه ها با نظر دانش آموزان سازماندهی می شوند. حل مسائل انضباطی در یک فرآیند مذاکره صورت می گیرد و تعاملات گروهی اهمیت دارد.	معلم گروه ها را هدایت می کند. تعاملات کلاسی در حیطه برنامه درسی است.	مدیریت رفتار	
دانش آموزان قوانین کلاس را مشخص می کنند. ارزیابی پیشرفت دانش آموز در مقایسه با خودش صورت می گیرد.	معلم و دانش آموزان در تعیین قوانین کلاس مشارکت دارند. دانش آموزان درباره رفتار خود قضاوت می کنند.	معلم قوانین کلاس را تعیین می کند. معلم سیستم پاداش را مشخص می کند.		

راهکارهایی کلی جهت ایجاد فضای مطلوب برای یادگیری

دانش آموزان برای یادگیری نیاز به محیطی مناسب دارند. در اینجا چند راهکار مدیریت کلاس برای ایجاد این محیط و چگونگی برقراری و حفظ قوانین و راهکارهای مناسب برای ایجاد همکاری بین دانش آموزان مورد بررسی قرار می گیرد (سانتراک، ۱۳۸۹).

روش مدیریت کلاس توانمندانه

روش مدیریت کلاس توانمندانه از شیوه های تربیتی دینا و بامریند سرچشمه گرفته است. دانش آموزان معلمان توانمند، متکی به نفس، خویشتن دار، با همسالان خود، سازگار و دارای اعتماد به نفس بالایی هستند. راهکار توانمندانه مدیریت کلاس از دانش آموزان، افرادی اندیشمند، اهل علم و مستقل می سازد و درعین حال آنان را زیر نظر دارد. معلمان توانمند، دانش آموزان را تشویق به انجام تکالیف شفاهی می کنند و توجهی دلسوزانه به آنها دارند، اگرچه در صورت لزوم محدودیت هایی قائل می شوند. این معلمان قوانین و مقررات را برای دانش آموزان شرح می دهند و ضوابط را با مشارکت آنان ایجاد می کنند.

روش مدیریت مستبدانه کلاس درس

در شیوه مدیریت کلاس مستبدانه به برقراری نظم در کلاس بیش از آموزش فراگیر اهمیت داده می شود. معلمان مستبد، کنترل و محدودیت هایی جدی بر دانش آموزان دارند، به ندرت با آنان وارد گفتگو می شوند. دانش آموزان کلاس های مستبدانه، فراگیرانی غیرفعال می شوند، در فعالیت های ابتکاری ناموفق اند، در قیاس های اجتماعی دچار تنش می شوند و از مهارت های ارتباطی ضعیفی برخوردارند.

روش مدیریت کلاس سهل انگارانه

در روش مدیریت کلاس سهل انگارانه آزادی قابل توجهی به دانش آموزان داده می شود، اما آنان را در زمینه پیشرفت مهارت های یادگیری یا مدیریت رفتار، به اندازه کافی حمایت نمی کند. عجیب نیست که دانش آموزان کلاس های سهل انگارانه از مهارت های تحصیلی ناکافی و خویشتن داری کمی برخوردارند. به طور کلی به کارگیری روش توانمندانه از شیوه های مستبدانه و سهل انگارانه برای دانش آموزان بهتر است. روش توانمندانه از دانش آموزان، فراگیرانی فعال و خودجوش می سازد.

اصولی که در زمینه مدیریت کارآمد کلاس از تلفیق دیدگاه های شناختی، رفتاری، انسان گرا مهم تلقی شده اند:

- امکان فعالیت های یادگیری معنی دار را فراهم سازید.
- کلاس را به محیط حمایت کننده تبدیل کنید.
- برای یادگیری موفقیت آمیز، فرصت های یادگیری را فراهم آورید.
- به دانش آموز کمک کنید هدف های مربوط به اصلاح خود را تعریف کند.
- درباره نتایج کارها اطلاعات لازم را در اختیار دانش آموز قرار دهید.
- دانش آموزان را در تصمیم گیری شرکت دهید.
- برای روزهای بعد برنامه ریزی کنید.
- رفتارهای مناسب را تقویت کنید (گلاور و برونینگ، ۱۳۸۷).

نتیجه گیری

بنا بر مواردی که ذکر شد، مدیریت کلاس درس عبارت است از : مهارت های مدیریت کلاس در قالب استفاده از تدابیر و روش های موردنیاز برای ایجاد و حفظ محیطی که در آن آموزش و یادگیری صورت پذیرد. لذا معلمان برای احراز این مهارت باید ویژگی هایی را در خود بیورانند و همچنین به ویژگی های مخاطبان خود که دانش آموزان هستند توجه جدی کنند. اگرچه اغلب اصطلاح کنترل کلاس و انضباط به جای یکدیگر به کار برده می شوند، اما این دو اصطلاح هم معنا نیستند. مثلاً انضباط اشاره دارد به ساختارها و قوانین برای رفتار دانش آموزان و تلاش برای مطمئن ساختن این که دانش آموزان مطابق با این قوانین عمل می کنند، درحالی که کنترل کلاس اصطلاحی است که برای توصیف تمامی تلاش های معلم برای

سرپرستی تمام فعالیت های کلاس که شامل فعالیت های یادگیری، تعاملات اجتماعی و رفتار دانش آموزان می شود؛ بنابراین کنترل کلاس شامل انضباط می شود، اما محدود به آن نیست (ایلماز و کاواس^{۱۲}، ۲۰۰۸).

سبک ها و شیوه های متفاوتی که معلمان در مدیریت کلاس پیاده می کنند می تواند اثرات متفاوت و مهمی بر روی عملکرد دانش آموزان بگذارد، از میان متغیرهای متعدد، مدیریت کلاس درس بیشترین تأثیر مستقیم را بر پیشرفت دانش آموزان دارد. مدیریت کلاس درس جنبه های بسیاری را شامل می شود:

مدیریت فضا، زمان، فعالیت ها، مواد آموزشی، ارتباطات جمعی و رفتار دانش آموزان؛ بنابراین این مفهوم با طیف گسترده ای از فعالیت های بر عهده گرفته شده معلم در کلاس درس، مرتبط است.

مصرآبادی، واحدی و بدری (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان « بررسی میزان بی انضباطی های دانش آموزان در شرایط اعمال منابع مختلف اقتدار معلم » که به روش پیمایشی انجام شد، نشان دادند که اصلی ترین شیوه پیشگیرانه در مقابل بی انضباطی ها، استفاده از منابع مناسب اقتدار کلاسی است. با توجه به این پژوهش میزان بی انضباطی های دانش آموزان در شرایط کاربست اقتدار قانونی تشویقی و تخصص و کمترین میزان بی انضباطی در شرایط کاربست اقتدار مرجع رخ می دهد. مهدی نژاد (۱۳۸۲) در بررسی میزان حساسیت دبیران نسبت به انواع بی انضباطی های دانش آموزان نشان داد که ۵۸/۷٪ از دبیران بیش از انتظار خودشان برای اداره و کنترل کلاس وقت صرف می کنند و از جمله بی انضباطی هایی که نسبت به آنها حساسیت داشته اند به ترتیب تکرار و فراوانی عبارت اند از: درگیر شدن، هل دادن و دعوا با دیگر دانش آموزان. همچنین بین نوع بی انضباطی ها و میزان حساسیت دبیران نسبت به آنها رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. جنسیت، تجربه و صمیمیت کلاس نیز از عوامل مؤثر بوده اند.

ناصر زاده (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان « شیوه های مدیریت کلاس در مدارس و ارتباط آن با تأییدجویی دانش آموزان » که در مورد شیوه های مدیریت کلاس معلمان انجام داد دو گروه از معلمان را به عنوان اقتدارگرا و استقلال گرا مشخص کرد. نتایج تحقیق خلخالی، سلیمان پور و فردی (۱۳۸۹) با عنوان « ارائه مدلی جهت استقرار مدیریت کلاس درس سالم » که در زمینه کشف راهبردهای مدیریت کلاس انجام یافته است منجر به کشف پنج عامل (ارتباط، انگیزش، رهبری معلم، انضباط، رشد دانش آموز) از بین ۱۴۴ مؤلفه شد.

منابع

- اسمیت، کولین .جی؛ لاسلت، روبرت.(۱۳۷۵). *مدیریت مؤثر در کلاس درس* (راهنمای معلمان و مدرسان). (ترجمه زهرا صباغیان). تهران: صالح.
- پارسونز، ریچارد د. (۱۳۸۵). *روانشناسی تربیتی: تحقیق، تدریس، یادگیری*. (ترجمه حسن اسدزاده و همکاران)، تهران: عابد.
- تابر، روبرت. (۱۳۸۹). *الفبای مدیریت کلاس درس*. (ترجمه محمدرضا سرکارانی). تهران: مدرسه.
- خلخال، علی؛ سلیمان پور، جواد و فردی، معصومه. (۱۳۸۹). ارائه مدلی جهت استقرار مدیریت کلاس درس سالم. *فصلنامه روان شناسی تربیتی*. شماره ۲، ۶۰-۷۱.
- فرزادی، فاطمه. (۱۳۹۳). رابطه علی شیوه های فرزندپروری و سبک های دلبستگی با بی انضباطی دانش آموزان دختر دبیرستانی با میانجیگری خود تنظیمی هیجانی، مهارت های اجتماعی و ذهن خوانی در شهر اهواز. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه شهید چمران.
- دریکورس، ر؛ کاسل، ب. (۱۳۸۸). *انضباط بدون اشک*. (ترجمه مینو واثقی و مریم داداش زاده). تهران: رشد.
- راگ، ای سی. (۱۳۸۳). *مدیریت کلاس درس*. (ترجمه فاطمه کریمی). گیلان: دانشگاه رشت.
- سانتراک، جان دبلیو. (۱۳۸۵). *روانشناسی تربیتی*. (ترجمه مرتضی امیدیان). یزد: دانشگاه یزد.
- صیامی، توحید. (۱۳۸۳). شیوه های ایجاد نظم و انضباط سالم در کلاس درس. *تکنولوژی آموزشی، ماهنامه آموزشی اطلاع رسانی*، شماره ۵، ۲۰-۲۸.
- مصرآبادی، جواد؛ بدری، رحیم و واحدی، شهرام. (۱۳۸۹). بررسی میزان بی انضباطی های دانش آموزان دختر و پسر در شرایط اعمال منابع مختلف اقتدار معلم. *فصلنامه دانشگاهی دانشگاه تبریز*. شماره ۱۹، ۱۵۹-۱۳۶.
- مهدی نژاد، ولی. (۱۳۸۲). دیدگاه دبیران دوره متوسطه در خصوص بی انضباطی کلاسی دانش آموزان و راهکارهای بهبود مدیریت کلاس. *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد*. شماره ۳، ۲۳۹-۲۳۱.
- ناصرزاده، نعمت اله. (۱۳۸۹). شیوه های مدیریت کلاس در مدارس و ارتباط آن با تأییدجویی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر سمنان. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه کردستان.
- والی، علی اکبر. (۱۳۹۰). نقش سبک های مدیریت کلاس در انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی مدارس عادی و غیر انتفاعی شهرستان شیراز. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه بیرجند.

Djigic, G., & Stojiljkovic, S. (۲۰۱۱). Classroom management styles, classroom climate and school achievement. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, ۲۹, ۸۱۹-۸۲۸.

Sadik, F. (۲۰۰۷). Sınıfici istenmeyen davranışlarla ilgili öğretmen, öğrenci ve veli görüşlerinin karşılaştırılması. *Cukurova Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, ۱۶ (۱), ۵۳۹-۵۶۰.

Sadik, F., & Akbulut, T. (۲۰۱۵). An Evaluation of Classroom Management Skills of Teachers at High Schools (Sample from the City of Adana). *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, ۱۹۱, ۲۰۸-۲۱۳.

Talton, E.L., and sipson, R.D. (۱۹۸۷). Relationships of attitude in science among tenth grad biology student. *Jornal of Researd. In Science Teaching*, ۲۴, ۵۰۷-۵۲۷.